

کسانی میدانم که تمام مواد این تقصیر را که اینجا نوشته است در حق آنها مجری است بجهت اینکه این اشخاص کسانی هستند که باعث تلفات جانها و ماله‌ها شده اند از برای این است که بنده پیشنهاد کردم که این اشخاص را انتخاب نکنند و همین جور باید اذهان مردم را حاضر کنیم که چه اشخاص را انتخاب کنند بنده این لازم میدانم که اشخاصی را که مقصرین سیاسی و کسانی که مخالف اساس مشروطیت هستند آنها هم از حق انتخاب محروم باشند بجهت اینکه ممکن است آن کلمه هزار را مقصرین سیاسی بنویسند

رئیس - چه میفرمائید کمیسیون قبول دارد یا خیر.

ذکاءالملک - چون مجهول است خوب است برود بکمیسیون.

رئیس - تقاضا میکنید که برود بکمیسیون.

ذکاءالملک - بله.

رئیس - اینماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علی‌المجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه‌شنبه پنجشنبه منعقد شود ارباب کیخسرو شاهرخ بامضای ۲۸ نفر دیگر.

رئیس - آقایانیکه این تقاضا را قبول میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند).

رئیس - با اکثریت تصویب شد. محض اطلاع نمایندگان یادآوری مینمایم آقایانی که اصلاحات پیشنهاد میکنند خوبست زودتر پیشنهاد کنند که مخبر کمیسیون مسبوق باشد در حینی که اصلاح را میخوانند ملتفت نیستند و بعضی هم درست ملتفت نمیشود آنوقت میدانند باید قبول کنند یا نه بعضی از آقایان هم که اذهانشان مسبوق نیست تکلیف خودشان را نمیدانند دستور جلسه آینده پنجشنبه سه ساعت و نیم بغروب قانون انتخابات را پورت کمیسیون بودجه راجع به یحیی خان قزاق (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد).

جلسه ۳۰۱

صورت‌مشرح مجلس یوم پنجشنبه

۱۱ شهر شوال ۱۳۲۹

رئیس آقای مومن‌الملک سه ساعت قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمودند پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید آقای آقا میرزا ابراهیم خان صورت جلسه گذشته را قرائت کردند.

(اسامی غائبین جلسه گذشته در ضمن صورت مجلس بترتیب ذیل خوانده شد.)

غائبین بدون اجازه - آقا سید محمد باقر ادیب دکتر امیرخان - بی‌اجازه - آقا میرزا احمد - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نمودند متین‌السلطنه یکساعت آقا میرزا رضای مستوفی ۴۰ دقیقه دکتر اسمعیل خان ۴۵ دقیقه طباطبائی یکساعت و پنج دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست

حاج شیخ اسدالله - در اول صورت‌مجلس نوشته بود رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب جلوس و ۳ ساعت قبل از غروب جلسه را رسماً منعقد کردند در صورتیکه موقع جلوس رئیس سه ساعت قبل از غروب بود.

رئیس - مکرر عرض کرده‌ام باز هم عرض میکنم که اظهاراتی که راجع بقیبت است در مجلس نباید بشود

حاج شیخ اسدالله - عرض بنده راجع بقیبت نبود راجع بموقع جلوس و صورت مجلس بود

رئیس - فرق نمیکند راجع بدیری وزودی لازم نیست در مجلس اظهار شود

ارباب کیخسرو - در خصوص پیشنهاد بنده هم نوشته‌اند که راجع بود بفقره دهم و حال آنکه راجع نبود بفقره دهم نوشته بودم اضافه شود اگر هم اضافه میشود باید بفوق اضافه شود عرض بنده همین قدر بود که اضافه شود دیگر بجمله دهم یا جمله دیگر عرض نکردم.

رئیس - اصلاح میشود.

ذکاءالملک - در پیشنهاد آقای ادیب‌التجار بنده عرض نکردم وقوع این امر متصور نیست عرض کردم وقوع این امر چون امری میدانم که بهیچ وجه تصدیق نمیکند و ترتیب اثری باو نمیدهم باین جهت قید او بیفایده است.

رئیس - همینطور اصلاح میشود ملاحظاتی دیگری نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد قانون انتخابات از فصل سوم ماده پنجم خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

فصل سوم - شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۵ - انتخاب شوندگان باید دارا صفات ذیل باشند ۱- متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی) (زردشتی) (یهودی) ۲- تبعه ایران باشند ۳- خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند ۴- در محل انتخاب معروف باشند ۵- سن ایشان کمتر از ۳۰ و زیاده از ۷۰ نباشد.

رئیس - در فقره اول که البته مخالفی نیست

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم و خوب بود آن جا یک شرط زیاد شود که شخصی را که انتخاب میکنند باید بصیرت در محل داشته باشد

رئیس - در فقره اول عرض کردم در فقره اول مخالفی هست؟

حاج شیخ‌الرئیس - بنده شرط اول را لازم میدانم و استثنای ملل متنوعه را هم البته لازم میدانم ولی استثنای این سه ملت را و منحصر کردن این سه ملت با آمال و آرزوهای طولانی مقدس بنده و امثال بنده درست نمیآید شاید یک مملکتی که ستاره پرستند که با اصطلاح قرآن (ساعقین) بریاهیتی ایران سراز شدند و مملکت آن‌ها داخل در مستعمرات و مستملکات ایران شد باین جهت انحصار باین سه ملت را بنده صحیح نمیدانم.

افتخار الواعظین - در قانون انتخابات وقتیکه رأی میدهم واسم میبرند از ملل برده میشود که رسمیت داشته باشند در مملکت را امروزه مذهبی

که ایران در رسمیت دارد دین اسلام و مذهب مسیحی و زردشتی یهود است و سایر مذاهب در مملکت ما رسمیت ندارد

آقا شیخ‌علی شیرازی - بنده سابقاً پیشنهاد کرده بودم که ملل مختلفه نوشته شود بجهت اینکه کلدانیهم داریم.

مهرزاملک - میخواستم عرض بکنم اشتباه باقی نماند کلدانیها هم مسیحی هستند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بعقیده بنده عبارت اینطور نوشته شود نمایندگان از ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی این لفظ از که مقدم بر نمایندگان شده است و جز شود دیگر آنکه یهودی هم کلیمی نوشته شود.

رئیس - در فقره اول دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم هم مخالفی نیست؟

(ایضاً اظهاری نشد) - در فقره سوم مخالفی هست **مهرزاملک** - اگر ماده بطوری است که نوشته شده عرضی ندارم اگر بطوریکه آقای

زنجانی اظهار کردند اصلاح شده بنده عرض دارم **رئیس** - ماده سوم را عرض کردم - مخالفی هست؟ (اظهار شد مخالفی نیست)

رئیس - در ماده چهارم مخالفی هست؟

آقای مدرس - خوبست همانطوری که آقای حاج سید ابراهیم بیان کرد اضافه شود و بصیرت محلی هم داشته باشد بجهت آنکه فقط معروف بودن منتخب فایده ندارد و باید یک بصیرت محلی هم داشته باشد مثلاً اهل کرمان بنده را میشناسند اما من نمیدانم کرمان کجاست و اهل او چطور هستند توابع او کجاها است.

ذکاءالملک مخبر کمیسیون - البته نمایندگان اگر بصیرت محلی داشته باشند بهتر است ولی بعضی شرایط است که بطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم چطور تمیز میدهم که بصیرت در امور محلی داشته باشد یا نداشته باشد ممکن است یک کسیکه اهل آن محل نیست بصیرت در امور آن محل داشته باشد و یک شخصی که از اهل آن محل است بصیرت در امور آن محل نداشته باشد حالا چطور در مقام عمل آنرا تمیز میدهم و چطور بموقع اجرا میگذاریم که فلانکس بصیرت در امور محلی دارد یا خیر این مثل همان بحثی است که ما در خود بصیرت کردیم بجهت اینکه گفتند اهل بصیرت باشد چطور ما میتوانیم بگوئیم این شخص بصیرت ندارد بعضی شرایط است که وقتیکه میتوانیم تمیز او را نمیدانیم چه شکل تمیز بدیم مثلاً چه قسم بصیرت میفرمائید داشته باشد در امور محلی در صورتیکه باز این شاید تا یک اندازه بهتر موافقت دارد با مطلوب بصیرت در امور مملکتی باشد معذک آنهم بیک میزان معین که میتوان شناخت که بصیرت دارد یا ندارد یک چنین میزانی ندارد که بتوان مقایسه کرد و تمیز داد که فلانکس بصیرت بامور مملکتی هست یا نه در بصیرت بامور محلی بطریق اولی این حرف میآید و اگر راهی بجهت تمیز این هست که خوبست این قید را بگذاریم لکن راهی بنظر بنده نمیآید که این را تمیز بدیم باین جهت اینطور نوشته شد.

حاج شیخ اسدالله - در نظامنامه سابق یک مطلبی بود و او از اینجا افتاده است باینجهت

حاج شیخ اسدالله - در نظامنامه سابق یک مطلبی بود و او از اینجا افتاده است باینجهت

عرض میکنم که این فقره خیلی لازم است که آنجا نوشته شود در نظامنامه سابق نوشته بود که بصیرت بامور مملکتی باشد حالا در اینجا آن قید را هم ندارد حالا خوبست نوشته شود که بصیرت بامور مملکتی باشد اینکه میفرمایند مغبور و این را از کجا میتوان تیز داد این تیز را که بصیرت در امور محل دارد یا ندارد خود اهل محل میدانند لازم نیست کسی از خارج معین بکنند برای تمیز این مسئله در ضمن قانون که نوشتیم اهالی خودشان میدانند چه کسی را انتخاب کنند و خودشان تمیز میدهند

رئیس - موافق هستنید شما با مخالف حاج شیخ اسدالله

این قیدیکه اینجا شد است کافی نیست و باید همان چیزیکه آقای مدرس فرمودند اینجا اضافه شود این است مخالفت بنده چون در نظامنامه سابق نوشته بودند بصیرت بامور مملکتی باشد حالا آنرا الغاء کرده اند و انداخته اند و این قید را هم لازم میدانند که بصیرت بامور مملکتی باشد نوشته شود که هیچ بصیرت نداشته باشد نه در مملکتی نه در امور محلی آنوقت این چیز غریبی میشود پس عرض میکنم در جواب آقای مغبور که میفرمایند بطور تمیز میدهند عرض میکنم خود اهل محل تمیز میدهند خود اهل محل این بصیرت را دارند که این شخص بصیرت در امر محلی دارد یا ندارد بعد از آنکه در این قانون زیاد کردید این قید را که بصیرت در امور محلی داشته باشد آن وقت خود اهالی آن محل آنکس را انتخاب خواهند کرد که بصیرت در امور محلی داشته باشد اگر بصیرت در امور محلی نداشته باشد اگر نخواهند داد

حاج دقتر رضاخان - بله بنده گمان

میکم این هر دو ایرادی که میشود اینجا هیچ ربطی عیبی ندارد باید فرق باشد بین مجلس و انجمن بلدی با انجمن ایالتی و ولایتی بجهت اینکه در انجمنها منافع مخصوصه محلیه منظور است لکن در پارلمان منافع عمومیه منظور است و در منافع عمومیه گفتگو میشود و اینها با هم خیلی فرق دارد برای همین است که گفته اند خط و سودا فزاری اقلا باید و کبیل پارلمان داشته باشد این قید برای اینست که تا یک اندازه تحصیل مقدماتی کرده باشد حالا دیگر لازم نیست و بنامینده نرخ اجناس محله انتخاب خودش را هم بداند یا اینکه کوچک و محله آنجا را هم خوب بشناسد بجهت اینکه چه بسا میشود اشخاص خیلی عالم در این شهر هستند که همسایه های خودشان را نمیشناسند این بهیچ وجه دلیل نمیشود و بصیرت در امور مملکتی نباشد دیگر آنکه و کبیل را نمیتوان همچو قبلی برایش قرار داد و بصیرت بامور محلی باشد این برای و کلای انجمن بلدی و ایالتی و ولایتی لازم است اما در نمایندگان مجلس خیلی چیز غریبی خواهد بود و اینکه میگویند در نظامنامه سابق نوشته بود که بصیرت بامور مملکتی باشد درست است که در نظامنامه سابق بود اما ممکن است که آنوقت هم متذکر نشده باشند اینکه میگویند بصیرت در امور مملکتی باشد یعنی چه یعنی حقوق تحصیل کرده باشد یا اینکه یک مدرسه است که در آنجا بصیرت در امور مملکتی را تحصیل میکنند و

از آن مدرسه دیلم میگیرند اینطور که نیست پس کسایکه یک اندازه بصیرت دارند میتوان گفت حکام هستند که همیشه بحکومت رفته اند و اطلاع و بصیرت در امور محلی دارند آنوقت باید مقید کرد که و کبیل همیشه از طبقه نوکر باشد والا طور دیگر نمیشود این شرایط درست است که بنظر خوب میآید لکن اگر درست دقت بکنند خواهند دید که خیلی مشکل است بعمل بیآید

بهجت - در فقره چهارم نوشته است که در محل انتخاب معروف باشد این قید از اصل زیادی است بطور ممکن است بگوئیم که یک کسی را اهالی یک نقطه انتخاب کرده اند او را نشانخته اند هیچ متصور نیست که یک کسی رای بنده در حق کسیکه او را نشانخته باشد بطور ممکن است کسی چیزی میگوید بگوئیم تو نمیدانی این یک قید بیجائی است بطور ممکن است بگوئیم اهل فلان محل فلان کسی را که انتخاب کرده اند او را نمی نشانخته اند اقلا وقتیکه رای در حق او میدهند اسم او را میبندند استه اند و ما بطور این را معلوم خواهیم کرد که او را نشانخته اند یا نشانخته اند مفتش میفرستیم از اهل محل میبرسیم که شما این شخص را که انتخاب کرده اید او را می نشانخته اید یا نمی نشانته اید پس این قید زیادی است اما و کبیل باید بصیرت در امور محلی داشته باشد یعنی آن شخص وکیل از وضع اقتصادی و معاش و اخلاقی و سیاسی و جغرافی آنها باید اطلاع داشته باشد چون یک چیزی را که ما باید مراعات بکنیم وضع اخلاق و عادات اهالی مملکت است بجهت اینکه وقتی که ما در اینجا وضع قوانین میکنیم باید ملاحظه اقتضات و احتیاجات مملکت را بکنیم فقط چیزی را ما باید مراعات بکنیم که برای ما ندامت و تأسف پیش نیاید و آن اقتضات و احتیاجات مملکت است پس باید قید بکنیم که وکیل عارف با اقتضات احتیاجات مملکت باشد بعبارة اخری عارف بمقتضیات وقت باشد باین که بصیرت در کل امور مملکت باشد چنانچه این قید در نظامنامه سابق هم بوده است یا این که بایستی قید بکنیم که اقلا از آن محلیکه انتخاب شده است اطلاع داشته باشد اگر اطلاع نداشته باشد نه از امور مملکتی نه در امور محلیکه از آنجا انتخاب شده است آن وقت میآید چکند شاید میآید که قانون وضع کند و باقتضای مملکت باید عارف باقتضات و احتیاجات امور مملکت باشد و باید این شخص بتواند رای خودش را بنده پس باید گفت و کبیل باید عارف باقتضات مملکت باشد این یک مسئله واضحی است از معقولات ثانوی نیست از مطالب منطقی نیست یک مطلب واضحی است که وکیل باید عارف بامور مملکتی باشد اگر عارف نباشد برای چه انتخاب میشود و اقلا بامور آن محل باید بصیرت داشته باشد

رئیس - گویا مذاکرات در این فقره کافی

باشد پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله شده است قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که جزء چهارم ماده پنجم این قسم نوشته شود در محل انتخاب معروف بوده محلی بمحل مزبور داشته باشد (از طرف حاج سید

ابراهیم خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که شرط ششم در ماده پنجم اضافه شود دارای بصیرت بامور محلی حوزه انتخابیه خود باشد

رئیس - آقای مغبور چه میفرمائید؟ ذکاءالملک - عرض کردم یک چیزی نیست که بتوان تمیز داد و حکم کرد گمان میکنم فایده نداشته باشد

رئیس - پس رای میگیریم در اصلاح حاج شیخ اسدالله آقایانیکه تصویب میکنند یعنی این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد دیگر با اصلاح سرکار هم (حاج سید ابراهیم) رای نمیگیریم همبطور با اصلاح آقایان مدرس لواءالدوله در شرط پنجم مخالفی هست؟

آقای میرزا احمد قزوینی - بنده در شور اول یک پیشنهادی راجع بسن داده بودم و عرض میکنم فرق بین منتخب و منتخب پنجسال کافی است در جلسه اول هم پیشنهاد کردم بخوانند

حاج سید ابراهیم - بتجربه معلوم شد که واقعا یک نمو باید داشته باشد که حاصل از تجربه میشود ما که مدارس عمومی نداریم که در مدرسه این درجات اخلاق را عموماً تحصیل کرده باشند لابد در تجربیات باید برای اخلاق تحصیل کرده باشد که بتواند حفظ حقوق ملت را در پارلمان بکند ۲۰ سال برای این مقام کافی نیست بنده سی سال را اول این مرتبه میدانم و کمتر از سی سال را صحیح نمیدانم

رئیس - آقای آقا میرزا احمد دو باره پیشنهاد کنید رای بگیریم

بهجت - شغل و کالت یک شغل فکری است و گمان اینست که انسان در هفتاد سال یک درجه برسد که سن مانع از این شغل بشود چون و کالت یک شغلی نیست که اعمال اعضاء و جوارح لازم داشته باشد مثل اهل نظام و حکام و غیره که مشاغلشان حرکت لازم دارد که بواسطه رسیدن به هفتاد سال محروم باشند و ممنوع بشوند ممکن است کسی هفتاد سال داشته باشد و خیلی خوب بشود از افکار او استفاده کرد خوب است آقای مغبور توضیح فرمایند که علت اینکه هفتاد سال مانع از نمایندگی است چیست بجهت اینکه چیزیکه در کثرت سن مانع از اعمال قوای فکریه است خرافاتی است که بواسطه کثرت سن عارض میشود و بنده گمان میکنم با هفتاد سال که قطعاً آن آقا بآن درجه نرسیده یعنی خرافات عارضش نشده بجهت ندارد که ممنوع باشد

ذکاءالملک - آقای بهجت اعتقادشان اینست که مطلق تعیین حد اکثر را در سن میکنیم یا اینکه هفتاد سال را که میدانند چون معلوم است انسان معمر قوایش کم میشود راست است که شغل نمایندگی با اعمال قوای فکری است اما زحمت های دیگر و کارهای دیگری هم دارد تمام اوقات اینطور نیست که برایشان کار بکنند و سایر اعضاء کار نکنند حالا اگر هفتاد سال را کافی نمیدانند و پنج سال اضافه بکنند بنده آنقدرها ضدیت ندارم

رئیس - گویا مذاکرات در شرط پنجم کافی باشد اصلاحی است آقا میرزا احمد پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که فقره پنجم این قسم نوشته شود (سن کمتر از بیست و پنج سال نباشد)

رئیس - آقای مغبور چه میگویند؟ ذکاءالملک - نمی توان اینرا قبول کرد بجهت

اینکه گفتیم در مسئله بصیرت یک میزانی بجهت آن نداریم ولی این مسلم است که یک اندازه سن انسان را بچه میکنند بخصوص که ما مدرسی نداریم و مطمئن باشم که وقتی که شخص از آن مدرسه بیرون میآید اقلا علم تحصیل کرده است و اگر تجربه ندارد لااقل علم دارد چون آنرا هم نداریم پس بهتر اینست سن را همان سی سال قرار بدهیم یعنی از سی کمتر نباشد که اقلا یک اندازه تجربه حاصل کرده باشند

رئیس - رای میگیریم در پیشنهاد آقای آقا میرزا احمد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد دو فقره شرط الحاقیه پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای کاشف یکی از طرف آقای مدرس قرائت میشود (پیشنهاد کاشف بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجم شرط ششم اضافه شود و واقف بمقتضیات وقت باشد) پیشنهاد مدرس بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم اضافه شود بر چهارم از ماده پنجم و بصیرت محلی هم داشته باشد

رئیس - توضیحی دارید بدهید؟ کاشف - چون اکثر از اوقات نظر مردم

در انتخاب نماینده بامانت و دیانت او است لکن چون فقط بامانت و دیانت از برای وکالت کافی نیست ممکن است یک شخص خیلی امین و با دیانت باشد چون بمقتضیات وقت مطلع نباشد مفید نباشد ولی اگر این شرط اضافه شود خیلی مناسب خواهد بود

ذکاءالملک - عرض کردم شرط که قرار میدهند باید آن شرط یک شرطی باشد که بتوان بواسطه فقدان آن شرط او را رد کرد حالا یک نفری که انتخاب شد آمد اینجا آیا که خواهد باو گفت که این عارف بمقتضیات وقت نیست و کی این را تمیز میدهند البته باید بصیرت باشد لکن عرض کردم باید طوری باشد که اگر خلافتش واقعش بتوان ترتیب اثری باو داد بله باید در مقدمه نظامنامه یک شرح مفصلی نوشت که مردم کسی را که انتخاب میکنند باید بصیر باشد در امور مملکتی در امور محلی عارف بمقتضیات وقت و غیره و غیره باشد همه اینها را بنویسند که مردم بدانند که را انتخاب کنند اما قانون عرض کردم امر است و نهی باید یک چیزی نوشت که خلافتش که واقع شد بتوان در او ترتیب اثر داد

کاشف - بنده در صورتیکه در نظامنامه نوشته شود مسترد می دارم (مجدداً اصلاح آقای مدرس قرائت شد)

رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید بفرمائید **مدرس -** در جلسه سابق عرض کردم در منتخب ما اعمی هستیم در منتخب اعمی یعنی اگر در منتخب شرایطی بکنیم که در تمام مملکت صد و بیست نفر پیدا نشود و دارای آن شرایط باشند این صلاح مملکت است و نکته این است که ما امروز دارای آن اخلاقی نیستیم که افعال کنیم آن اخلاق را که

آرزو میکنم روزی را که از طرف مجلس شورا بملت اعلان انتخاب شود و هیچ شرایطی هم معین نشود منتخبین خودشان بدانند که را باید انتخاب بکنند و منتخب هم خودش بداند که کی لایق این مقام است و کدام باید منتخب بشود و اگر مثل منی را انتخاب خودم قبول نکنم یعنی چنین اخلاقی داشته باشم که خودم قبول نکنم لکن افسوس که حالا اخلاق نداریم لهذا باید یکمقداری شرایط در منتخبین مجلس شورای ملی زیاد کنیم بکنند هم آنها ملاحظه کنند که شاید یک نفعی برای مملکت درست بشود فرمایشی که فرمودند در مسئله معروفیت در این جلسه خیلی تعجب میکنم که در این قانون در چهار پنج مورد معروفیت را متذکر میشود دو مورد را خواندیم سه چهار مورد دیگرش را هم نمیخوانیم در انجمن نظار مشروط است بر اینکه اعضایش معروفیت داشته باشند بامانت و درستی اینجا میگویند معروفیت را بطور بدست بیاوریم میخواهیم عرض کنم برای آقایان طریقی غیر از این معروفیت ما نداریم مثلا ورزشکستان بتقصیر معرومند کدام یک از ورزشکستان را رفتیم دفتر دستک آنها رسیدگی کردیم به بینم مقصودند تاخیر الا معروفیت طرفین برای اینک صفات منتخبین را بشناسیم نداریم غیر از معروفیت این مسئله است که تجربه کرده ایم بشود در این شهر و سایر شهرها مثال حاضر بزنیم که فقیهت هم نباشد آقای ارباب کیخسرو را مدینت شده میشنوم میگویند امین است ارباب کیخسرو هم میگویند امین است مشروطه ها میگویند امین است و حال اینکه یک کدام از ماها معاشرت تمامه با ایشان نکرده ایم و بواسطه این معروفیت هر کدام ماها با کمال اطمینان میرویم میخواهیم که ارباب کیخسرو محل اطمینان است و اداره مجلس منظم است چرا بجهت اینکه آقای ارباب کیخسرو امین است یعنی معروف است بامانت مالی باقی صفات واقعی نمیکردیم اگر صدویست نفر اشخاصی که معروف بامانت و درستی باشند اینجا نشسته باشند ابد احمد علی میرزا و ارداین مملکت نخواهد شد اگر چه در بین خودمان مردمانی نباشند که حقیقه هم چندان مردمان امینی نباشند و اگر صد و بیست نفر مردمان اینجا باشند و فرد اعلا باشند و معروف به بدی باشند مردم این مجلس را سنکسار خواهند کرد پس طرفین برای ماز برای صفات خلق غیر از معروفیت نیست ولیکن گمان میکنم که ما در اطاق جمع شده ایم و آنچه میگوئیم بر مردم مخفی است خیلی اشتباه است در قانون انتخابات اول صفات خوبیکه برای منتخبین بود انداختید در قانون انتخابات دوم بعضی صفات خوب داشت آنها را هم انداختید مردم چشم دارند می بینند و سال بسال دوره بدو از خوبها ما چشم میبوشیم و بدبها میبرداریم و بدی ها قناعت میکنیم یکی از شرایطی را که انداختند (کار بیافی شرایط نداریم) این بود که معروف بفساد عقیده باشند این را انداختید در صورتیکه در قانون انتخابات سابق در این قانون در شورا اول داشت که معروف بدیانت و امانت باشد این را هم انداختید و نماینده عالم بمقتضیات وقت باشد حالا میآید اینجا اشکالات میکند در صورتیکه تمام عالم میدانند و شامچه میکنند و میدانند که این لایق را که ما داریم میرویم بجائی نخواهیم رسید معروف بامانت در تمام امور منظور

میداریم و عمل میکنیم وصیت میکنیم کسرا وصی قرار میدهیم که معروف بامانت باشد کسرا و کبیل میکنیم در یک معامنه تومانی که معروف بامانت باشد اما کسی را که میخواهیم اعتراض و قوانین این مملکت را بدست او بدهیم نباید معروف بامانت باشد از بنده گفتن است و رفتن این ترتیب صحیحی نیست خود دادند و لوازم نشنود

ذکاءالملک - وقتیکه این پیشنهاد را آقای مدرس کردند بنده مصمم بودم که قبول کنم حالا هم قبول میکنم ولیکن خیلی اعتراض میکنم و گله میکنم از ایشان بجهت اینکه دلائلی که در خصوص پیشنهاد آقای کاشف عرض کردم آیا یک دلیل بیوجهی عرض کردم یا اینکه دلیل عرض کردم چنانکه گفتیم بنده عرض کردم شما قانون مینویسید بجهت اینکه بتوانید بموجب آن قانون یک کسرا قبول و یک کسرا رد کنید بگوئید چون این شخص این شرایط را که نوشته شده است ندارد بجهت اینکه او را بسمت و کالت نمیتوانیم بپذیریم در این صورت عرض میکنم این یک شرطی است که صورت پذیر نخواهد شد که بواسطه عدم معروفیت بامانت کسرا از سمت و کالت بیندازید یا اینکه بگوئید چون این شخص عالم بمقتضیات وقت نیست او را از سمت و کالت میاندازم کی میتوانید همچو چیزی نکنید چون نمی توانید بکنید پس قانون را لغو میکنید چرا بجهت اینکه چیزی در قانون مینویسید که نمیتوانید آن را اجرا کنید عرض کردم و کبیل البته باید عارف بمقتضیات وقت باشد البته باید عالم باشد البته باید بصیرت بامور مملکتی داشته باشد البته باید ندب باشد امین باشد بصیر باشد خیلی جلسات باید داشته باشد اما یک چیزی باید نوشت که بتوانند عمل کنند یعنی بتوانند بر او ترتیب اثر بدهند که بموجب اینکه این آدم بصیر بامور مملکتی نیست نباید و کبیل باشد کدام آدم است اشخصیکه در این جا نشسته اند اگر بصیر در امور مملکت نباشند از این جا بیرون کنند نمیدانم آقای مدرس از کجا استنباط کرده اند که ما میخواهیم شرایط خوب را برداریم و از کجا ملتفت شده اند که بنده یا دیگری در مجلس هست که میخواهیم و کبیل بد انتخاب شود این را خیلی بی التفاتی فرمودند بنده میخواستم اول پیشنهاد ایشان را قبول کنم حالا هم قبول میکنم ولی خواهش دارم که این قسم فرمایشات را نکنند

رئیس - خوب مغبور قبول کرد در قابل توجه بودنش را رای نمیگیریم

رئیس - بفرمائید

مدرس - سوء تفاهمی شده است اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

مدرس - آقای مغبور در حقیقت بی التفاتی بنده فرمودند بجهت اینکه بهیچ وجه بنده نظر آقای مغبور نداشتم اندر همه دیر یک نفر کافر و من - همه چشمان با آقای مؤتمن الملک و آقای مغبور روشن است مقصودم این که در این مدت از قانون انتخابات که حالا سال پنجم است و همچنین نظامنامه ثانوی را با این نظامنامه که ملاحظه کنید در هر دوره صفات خوب را تقویت داده اند ببینید در دست هم هست و این خوب نیست در شور اول هم همین قانون هم

همین صفت بود حالا الغاء شده است و گمان میکنم از قلم افتاده است مقصودم این بود که عمده طریقی را برای شناختن صفات غیر از معروفیت نداریم چه این صفات چه غیر این صفات .

رئیس - برای توضیح کافی است يك شرط دیگر آقای ادیب‌التجار پیش نهاد کرده اند قرائت میشود (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) بنده این جمله را بعنوان شرط ششم تقدیم میکنم ضمیمه شود .

(۶) - در تحت حمایت و دارای تأمین اجانب نباشد .

رئیس - آقای مخبر قبول دارید :
مخبر - خیر نمیتوانم قبول کنم .
رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب‌التجار آقایانیکه این پیشنهاد را قسابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی هم از طرف آقای آقا میرزا احمد شده قرائت میشود و رأی میگیریم (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده الحاقیه اضافه شود که معروف بخیانت نباشد .

رئیس - توضیحی اگر دارید بفرمائید.
آقا میرزا احمد - بنده همان طوری که آقای مخبر فرموده اند معتقد بمعروفیت هستم و ابدأ ترتیب‌تری بر آن نمی بینم زیرا (رب‌شهره لا اصل له) ولی در آن شور اول بنده يك پیشنهاد کرده بودم بهمان طور که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند که معروف بخیانت نباشد و حالا چون آن پیشنهاد نیست پیشنهاد دیگری کردم که معروف بخیانت نباشد و علتش هم واضح است که اشخاصی پیدا میشوند که معروفیت نداشته باشند بامانت و بهتر از معروفین هستند و همینکه قید کردیم معروف بخیانت نباشد آنوقت اشخاص خائن بیرون میروند از زمان امین و آنهاستیکه معروف بامانت و دیانت هستند داخل میشوند و اینکه آقای مدرس فرمودند در دوره سابق در نظامنامه انتخابات موادی داشت خیلی خوب و آن خوب را برداشتن این راجع بود بانجن ابالتی آذربایجان مکرر این راعرض کردیم آن موادیکه راجع بانجن آذربایجان است حکم قانون اساسی را پیدا کرده است که ملت امضاء کرده است برای اینکه بتعام اهالی ایران اعلان شدو اهالی ایران آنها را وکیل کردند که آن مواد رارد کرد حالا آن موادیکه رد شده خوب باید قبول شده خودملت قبول کرده است و ردا ورد قانون اساسی است .

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید در این پیشنهاد .

ذکاء الملک - این عبارت آخری عبارت آقای مدرس است بلکه يك جهت پیشنهاد آقای مدرس بهتر بود بجهت اینکه ممکن است که يك شخصی بخواهند يك لکه بگذارند و اگر این مشکل باشد ممکن است يك کسیرا متهم نمایند از اینجهت ما این فقره رادر کمیسیون رد کردیم بجهت اینکه ملاحظه کردیم که این مسئله تحریص میکند مردم را باعمال به بدنامی و چیزهای دیگر بجهت اینکه ممکن است اشخاصی باشند که سوء اخلاق داشته باشند و با اشخاص هم عداوت داشته باشند اسباب خود هم

بیاورند که يك کسی را متهم کنند باین جهت پیشنهاد آقای مدرس را بنده ترجیح میدهم و لکن هر دو یکی است .

رئیس - پس چون قبول ندارید باید رأی بگیریم .

آقا میرزا احمد - بنده پیشنهاد خودم را پس میگیریم .

رئیس - پس این باشرایطی که براو اضافه شده است قرائت میشود ورأی میگیریم .

(ماده مزبور باصلاح بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند :

۱ - متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صل‌الله‌علیه‌وآله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی ۲ - تبعه ایران باشند ۳ - خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند (۴) در محل انتخاب معروف باشند (۵) سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد سال نباشد (۶) معروف بامانت و درستکاری باشند .

رئیس - رأی میگیریم در این ماده بترتیبی که قرائت شد .

دیر زایانی - بنده تقاضا کرده ام که این ماده تجزیه بشود و علیحده رأی گرفته شود .

رئیس - میفرمائید که یکی یکی رأی بگیریم یا از قسمت اول تا ششم را علیحده رأی بگیریم و قسمت ششم را علیحده .

میرزا یانی - عرض کردم علیحده علیحده رأی گرفته شود .

رئیس - بسیار خوب تقاضای شما است کرده اند باید قبول کرد رأی میگیریم بقره اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام کنند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقره سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقره چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقره پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقره ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد حالا رأی میگیریم بماده پنجم که متضمن شش فقره است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد اما بندها برای اینکه وقت تلف نشود باهر فقره که مخالف هستند تقاضا میکنند که همان فقره تجزیه بشود و در اینجا هم اگر برای شرط ششم بود که تقاضا بکنند فقط او را تجزیه کنیم ورأی بگیریم .

میرزا یانی - بنده در چند فقره آن مخالف بودم .

رئیس - ماده ۶ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - اشخاصیکه از انتخاب شدن معرومند (۱) شاهزادگان بلافصل ابنا و اخوان و امام سلطنتی (۲) نسوان (۳) تبعه خارجه (۴) مستخدمین امینیه نظمی و اهل نظام بری و بحری باستانی صاحبمنصبان افتخاری (۵) حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود .

(تبصره) - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط اینکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند (۱) و رشکستگان به تصحیر (۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آن که شرعاً برات ذمه خود را حاصل نکرده باشند (۸) اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد و یا متظاهر بفسق .

رئیس - در فقره اول مخالفی هست .

رئیس - در فقره دوم مخالفی هست گفتند خیر .

رئیس - در فقره سیم مخالفی هست .

حاج آقا - بنده اینجا تبعه خارجه را کافی نمیدانم بلکه مشکوک الالبیت هم باید خارج باشد یعنی کسانیکه مشکوک‌التبعه هستند حق انتخاب شدن نداشته باشند تا اینکه آن کسیکه داخل میشود در شورای مملکت مقطوع‌التابعه باشد .

ذکاء الملک - عرض میکنم گویا این قاعده راما نمیتوانیم قبول کنیم بجهت اینکه اشخاص یا تبعه خارجه هستند یا نیستند اگر تبعه خارجه هستند که از این حق خارج میشوند اگر تبعه خارجه نیستند که یقیناً تبعه ایران هستند غیر از این دوشق را قائل نیستیم .

رئیس - گویا بیشتر از این مذاکره لازم ندارد (گفتند صحیح است) .

رئیس - در قسمت چهارم مخالفی هست (اظهاری نشد) .

رئیس - در شرط پنجم و ششم هم که مخالفی نیست (اظهاری نشد) .

رئیس - در شرط هفتم مخالفی هست .

آقاشیخ ابراهیم - بنده پیشنهادی کرده ام قرائت بشود .

(پیشنهاد مزبور به عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می‌کنم که فقره هفتم اینطور نوشته شود مرتکبین جنحه و جنایت و تقصیرات عمده مثل قتل و سرقت و غیره و کسانیکه در تحت محاکمه دعوی جنحه و جنایت واقفند مادامی که برات ذمه خود را حاصل نکرده‌اند .

رئیس - توضیحی اگر دارید بفرمائید .

آقاشیخ ابراهیم - توضیح همان است که در منتخب عرض شد نمیتوان مطلق مقصرینی که مستوجب مجازات شده‌اند آنها را محروم کرده‌اند فقط معصوم باقی خواهد ماند .

بجهت اینکه خیلی از تقصیرات مختصر هم هست که مستوجب مجازات میباشد ولی تقصیرات بزرگ مثل قتل و سرقت و امثال آنها باید نوشته شود علیهذا باید این قید را کرد همچنین اینکه نوشته شده است معروفین بقتل و سرقت اینهم غلط است باید گفت

اشخاصی که تحت محاکمه هستند مادام که بری الذمه نشده آنها محروم نباشند .

رئیس - عقیده کمیسیون در اینباب چیست .

ذکاء الملک - نظیر این عبارت در ماده چهارم بود آن را رجوع بکمیسیون کردید این هم عقیده بنده این است که رجوع بکمیسیون شود و در اینخصوص مذاکره شده عبارت بهتری نوشته شود .

رئیس - چون آقای مخبر تقاضا میکنند رجوع میکنم بکمیسیون باصلاح هائی که پیشنهاد شده است در فقره هشتم مخالفی هست .

آقا سید محمد رضای همدانی - بنده بهیچوجه امتناعی ندارم که مسلمین از ملل متنوعه انتخاب کنند برای اینکه در همین دوره بعضی از نمایندگان ملل متنوعه امتحان خودشان را بخوبی داده اند مثل آقای ارباب که تشریف دارند و اگر قانون تجویز کند جمعی از مسلمین یکنفر از ملل متنوعه را انتخاب کنند بنده حرفی ندارم لکن وحشت من از آن اشخاص است که هیچ‌کس در این مملکت معروفیت و رسمیت ندارند و دزد تمدن و دزد دیانت هستند و مارا متهم کرده‌اند در مشروطه بلکه عقب انداخته‌اند در آن شور اول عرض کردم در این شور دوم هم عرض میکنم که لازم نیست قیدی بشود که این قسم اشخاص خارج بشوند و اینکه میفرمائید کش دارد هر مفهومی شما تصور بکنید کش دارد تاجر يك مفهوم ضعیفی دارد و يك مفهوم قوی هر لفظی را که شما ملاظه کنید مفهومش کش دارد مفهوم معین معروفیت چیست از معروفیت معین تر نداریم اینسکه اسمی میگویند کش بر میدارند ابدأ معروفیت کش بردار نیست معروف مثلاً يك پیش‌نمازی دو هزار نفر پشت سرش نماز میکنند یکی دیگر عقب سراو زدن نماز بکنند این جهتش چیست جهتش این است که او معروف بعدالت است میروند عقب سراو نماز میخوانند و آن یکی معروف بعدالت نیست و آیا آمدیم سر اتهام که میفرمائید اتهام میرسد هیچ اتهام باو نمیرسد فساد عقیده هیچ اسباب اتهام نیست شود بعد از وکالت که نمیخواهیم بگوئیم باین اتهام زده‌اند ما میگوئیم يك کس هست که ده سال بیست سال است که معروف بفساد عقیده است این را که نمی توان صرف نظر کرد و انتخابات او را قبول نمود مقصود همان است نه اینکه کسی را تازه و کیش کردند صدمای بیرون میآید که معروف بفساد عقیده است یا متبدع در دین است این را قبول داریم که مناط اعتبار نیست ما فساد عقیده فلان عطار یا فلان دوا فروش که ده سال است معروف بفساد عقیده است و همه میدانند که میگویند مشروطین پیش مستبدین معروف بفساد عقیده هستند یا این را هم نمیگوئیم که معروف بفساد عقیده است ماکسی رامیگوئیم فاسد‌العقیده است که همه کس باو میگویند که معروف بفساد عقیده است و بیش هر فرقه که برود و داخل هر جمعی که بشود بگویند این معروف بفساد عقیده است لهذا بنده پیشنهاد را کردم حالا قابل توجه بشود یا نشود با مجلس است

محمد آقاهاشم زاده - این یکی از امورات مذهبی است هیچ راجع با مسورات عرفیه و قوانین مملکتی نیست که بخواهیم در آن پیشنهاد

های مفصل بکنیم و کم یا زیاد بکنیم این مسئله بدیهی است اولاً هر کس که متدین بدین حنیف اسلام نیست شرع خارجش میدانند از دین اسلام ما هم باید او را خارج بدانیم و تمام ترتیبات خروج از دین اسلام را در حق او جاری کنیم پس باید يك میاری و يك میزانی بدست بیاید و الا نمیشود بجهت يك کسیرا که لاابالیهای بی‌معنی کرده است یا اینکه مذاکراتی کرده است که کم کم معروف شده است بفساد عقیده اما او را ممکن است از دین حنیف اسلام خارج کرد و آنکھی شرط بعد از این را گویا آقایان فراموش کرده‌اند که میگویند متظاهر نفس نباشد اگر کاین کارها را کرده باشند که عرض کردم البته در عداد متظاهر خارج میشود از این حق ولی بجزد اتهام خیلی وسیع است و در اینزمان خودمان هم دیده‌ایم چه اشخاص که خیلی صحیح بوده‌اند بعضی يك غرض متهمش کردند بفساد عقیده و خلاف دیانت لهذا بنده باین ترتیب مخالف هستم

آقا سید حسن مدرس - خواهش میکنم از آقایان که در مطالب که مذاکره میکنم حمل بطور هاری دیگر نشود برای اینکه اینجا مجلس مشاوره است البته تقدیس میکنم تمام برادران و آقایان حالیه و سابقین انشاءالله لاحقین راما باید مذاکره کنیم و به بینیم چه کاری نفع دارد برای خلق مقصود این است که این مجلس مقدس است و باید اشخاصی که امکان مقدس باشند معنی مقدس این است که هر مقدار ممکن بشود صاحب اخلاق و صفات پسندیده باشد و خلق بهتر از او مستفیض میشوند و اینها مواعظه صرف نیست و اینکه آقای مسفر آقا میرزا احمد فرمودند که قانون انتخابات را اول آذربایجان و انجن آنجا تغییر دادند آن راجع با آنجا بود راجع با اینجا بود

رئیس - این خارج از موضوع است

آقا سید حسن مدرس - خیر مقصودم این بود که فرمودند راجع با اینجا بود و معروف بامانت هم راجع بهمان بود که آقا میرزا احمد حالا میفرمائید راجع نیست کار نداریم میگذریم مقصود این است که ما يك آثار اخروی داریم و يك آثار دنیوی که در قانون انتخابات شرایطی را باید بنویسیم که آثار دنیوی داشته باشد میخواهیم بدانیم آن صفاتی که در امور سیاسی باشد و فایده دارد کدام است نمیخواهیم به بینیم در آخرت کی خوب است و کی بد است مثلاً اگر من خدای نخواست از شقی ترین مردم در آخرت باشم در امر سیاسی اینجا ممنوع و مضر هستم بجهت اینکه آثار سیاسی و دنیوی امور ظاهریه است و آثار اخروی بر امور باطنیه لهذا با اینکه صفاتی را که اینجا ذکر و شرط میکنم برای اینکه فرض بفرمائید اگر يك تاجر می آمد و معروف شد که ورشکسته است و حال آنکه در واقع صدهزار تومان مال دارد مردم دیگر با این معامله نمیکند یا اینکه اگر يك شخصی معروف بیدی شد مردم از این شخص در ظاهر اجتناب میکنند ولو اینکه خوب باشد این برای چیست برای این است که این شخص باین صفت ظاهر آ معروف شده است پس اینکه در این ماده نوشته شده است کسیکه ثابت شود فساد عقیده او اولاً این مفهومی است که مصداق پیدا نکرده و امیدواریم بعد از این هم در مملکت ما که رو بخوبی و ترقی است مصداق پیدا نکند کسی در نزد حاکمی ثابت شود که یکی از اصول

مجلس است

ذکاء الملک - این ماده در هر صورت رجوع میشود بکمیسیون این پیشنهادها را هم رجوع بفرمائید بکمیسیون تا اصلاح شود .

رئیس - پس این ماده بر میگرد بکمیسیون یک ربع تنفس است بعد از تنفس ساده هفتم خوانده میشود بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد .

رئیس - در ماده ششم آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان تقاضا کرده‌اید که تجزیه شود سه قسمت و در قسمت اول رأی گرفته شود و دو قسمت دیگر ارجاع شود بکمیسیون .

پیشنهاد آقای آقا مرتضی قلیخان (به مضمون ذیل قرائت شد) - این بنده تقاضا مینماید که ماده شش تجزیه شده در شرط اول تا ششم رأی گرفته شده دو جزء اخیر آن بماند تا در کمیسیون اصلاح شود .

آقا میرزا یانی - بنده يك مخالفی در تبصره داشتم میخواستیم تبصره در چه قسمت مذاکره خواهد شد .

رئیس - تبصره در ضمن قسمت پنجم مذاکره شده .

ارباب کیخسرو - بنده هم يك پیشنهادی کرده بودم .

رئیس - پیشنهاد سرکار راجع است بماده الحاقیه یعنی شرط ماده الحاقیه است باید برود بکمیسیون - رأی میگیریم در ماده ششم از شرط

اول تا شرط ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد ماده هفتم بعبارت ذیل قرائت شد ماده ۷ در مرکز حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضم باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد که متصدی و مسئول صحت انتخابات باشد و اگر تمام اهالی نقاط یک حوزه انتخابیه نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند در نقاط لازمه یک انتخابیه ممکن است با تصویب حکومت انجمن های نظارت جزو تشکیل شود که متصدی انتخابات آن نقاط شود .

حاج سید ابراهیم - در شور اول معین کرده بود انجمن نظارت مرکزی و انجمن نظارت جزء وغالب آقایان مطلع هستند که حوزه ها بالنسبه بآن حوزه بندی اول یک قدری وسیع تر شده است یعنی تصور نکردند بر آن نقاطیکه محتاج بانجمن جزء نباشد و این عبارت .

(اگر تمام اهالی نقاط یک حوزه تا آخر را مناسب بآن حوزه بندی نمیدانم بجهت اینکه نوشته است .

ممکن است با تصویب حکومت انجمنهای نظارت یا بنظر حکومت چون ما در انتخابات بوده ایم و میدانیم که یک انجمن نمیتواند از عهده برآید یعنی همه آنجا حاضر شوند و بنده هم بيشهاد کرده ام که در آن نقاطیکه محتاج هست حوزه های وسیع در نقاطش حتماً تشکیل شود که انجمن نظارت مرکزی حق نداشته باشد بگوید لازم نیست انجمن جزء تشکیل شود باید حتماً انجمن جزء تشکیل شود

معزز الملک - بنده برعکس تصور میکنم این چیزیکه اینجا نوشته شده است خیلی بهتر است بجهت اینکه وقتی که میگویند یک حوزه انتخابیه اعم از اینکه حوزه بزرگ باشد یا حوزه های کوچک این انتخاب یک عملیاتی دارد که باید آن عملیات در مرکز حوزه بعمل بیاید پس یک چیزی که معمول است باید قید شود منتها آقایان میگویند بطور استثناء بجهت اینکه از حیث وسعت زمین و کمی جمعیت ممکن است که نقاط مختلفه حوزه های انتخابیه باهم مسافت زیادی داشته باشد و باینجهت نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شوند و انتخابات خودشانرا بعمل بیاورند بله این نظر خیلی خوب است اما کمی میتواند تمیز بدهد آیا این نظر را منتخبین که اینجا نشسته اند و مقنن بهتر میتواند تمیز بدهد یا مرکز حوزه انتخابیه که در آن حوزه آن انتخابات باید بعمل بیاید بهتر مطلع و ملتفت است البته آن حوزه انتخابیه که ناظر بر اعمال انتخابات آن محل است است بهتر میتواند این مسئله را تمیز بدهد و بصیرت او از همه بهتر است و نباید تصور کرد که یک انجمن نظارت مرکزی که نظارت دارد بر عملیات آن حوزه انتخابیه فقط بواسطه هوا و هوس شخص شعبه در آنجا نخواهند کرد که انتخابات آنجا بعمل بیاید اگر یک همچین سوهظنی داشته باشیم که یک همچین انجمن نظارت مرکزی خواهیم داشت همان غلط کارهایی را که میخواهد خواهد کرد که بآن انجمن نتوان اعتماد کرد و مسئول صحت انتخاب قرارداد علی الغصوص که این نکته را نباید فراموش کرد که اگر چه انتخابات حق عمومی

است و یک چیزی است که هر يك از افراد ایرانی که دارای شرایط معینی که در قانون انتخابات معین شده است باشند حق دارند که بیاندو رای خودشان را بدهند ولی مقنن وقتیکه قانون انتخابات را مینویسد باید ملاحظه کند که حوزه های انتخابیه باید طوری باشد که هر چه زودتر بتوان عده نمایندگان که لازم است برای مجلس شورای ملی که یکی از شرایط بزرگ است بتواند زودتر و بهتر و راحت تر در اینجا حاضر شوند و آراء خودشان را بدهند باین جهت بعقیده بنده ما هر چه بتوانیم سهل تر و آسان تر یک شرایطی قرار بدهیم بهتر است و بیشتر اسباب سهولت انتخابات را فراهم کرده ایم و اگر در بعضی نقاط حوزه انتخابیه لازم شد شعب آن دایر میشود خوب است مادر اینجا تصریح بکنیم و واگذار بنظر خود آنها بنمائیم بجهت اینکه ما که نمیتوانیم در تمام حوزه های انتخابیه نظارت داشته باشیم بهتر اینست آن را واگذار کنیم بکسانیکه مستقیماً مسئول صحت عمل هستند و بصیرت دارند در امر انتخاب و مستقیماً مأمور نظارت در امر انتخابات و مسئول نظارت انتخابات میباشد فقط یک زمینه این قانون انتخابات معین شده است و باید یک حوزه انتخابیه معین بشود و باقی شعب حوزه های انتخابیه منوط بنظر خود حوزه انتخابیه مرکزی باشد .

محمد هاشم میرزا - بنده با این ماده که از کمیسیون گذشته است مخالفم و همچنین با فرمایشات آقای معزز الملک آیامقصود از این چه چیز است و الا ما میخواهیم حق انتخاب به بلوکت و قراء بدهیم یا نهیم اگر میخواهیم ندهیم یک مرتبه بگوئیم ندهیم و جانشان را خلاص کنیم که آنها هم از این خیال فارغ باشند و بیجهت و سبب بغیال انتخابات نبینند و اگر میخواهیم بدهیم باید یک راهی پیدا کرد که بعضی که درصدد انتخاب هستند بتوانند انتخاب کنند اما این است که میگویند همه اش بنظر انجمن مرکزی باشد بلاما هم نگفته ایم که تمام آنها راهین جامعین کنند اگر چه بهتر این بود که تمام نقاط جزء حوزه ها را اینجا معین کنیم و باید معین کرد مثل اینکه در سفر اول معین شده بود و در کمیسیون رد شد یعنی هیئت دولت بعضی نظریات داشت حالا که بنظر آنها واگذار کرده ایم البته حرفی نداریم و در موقعش هر جا که لازم بدانند انجمن جزء قرار خواهند داد لکن ممکن است هم نباید گفت متلا فرض بفرمائید شاید انجمن نظار اصفهان بعضی نقاط را لازم ندانست که انجمن نظارت جزء قرار بدهد و چند نقطه هم انجمن نظارت جزء داشته باشد یا در گیلان صلاح نداند آنوقت خیلی ابتلاآت نسبت بنظراتی که در انجمن نظار پیدا خواهد شد آنوقت اگر در یک بلوک معتبری انجمن نظارت قرار ندهد نمیتوان گفت که خود آنها را محروم کردن از انتخابات و انجمن جزء تشکیل ندادی بجهت اینکه خواهد گفت که نتوانستیم بعقیده بنده باید نوشت در نقاط مهمه لزوماً باید انجمن نظار جزء تشکیل شود که بکلی اختیار بدست انجمن نظار کل نباشد بله تعیین موضوع او و اینکه در کجا باید تشکیل شود این اختیار باید بنظر انجمن مرکزی باشد ولی همه اش بلفظ ممکن است نباید اکتفا کرد بجهت اینکه خیلی چیزها ممکن

دکتر سعید الاطباء - موافقت بنده از اینکه در شور اول دیده شد که در آن حوزه بندی های مفصلی که نوشته بودند هر چه خواستیم کنیم در کمیسیون که اسامی دهات و قصبات جزء نوشته شود دیدیم که ابتدا نمیتوانیم اینجا تمام اسامی قصبات و دهات را بنویسیم و چون نمیتوانیم بنویسیم گمان میکنم و باید در این ماده نوشته شود تصویب حکومت باشد و در هر نقطه اگر لازم باشد انجمن های جزء تشکیل شود بجهت اینکه اگر این شرط را نکنیم معلوم میشود و آنجا هائیرا که ما اسم نبرده ایم از حق انتخاب محروم کرده ایم یعنی آن نقاطی را که ما نوشته ایم نباید رای بدهند پس لازم میدانم اینطور نوشته شود که دولت فقط میتواند اطلاع پیدا بکند بواسطه نمایندگان که حکام باشد و هر جا انجمن نظارت جزء لازم است و در آنجا تشکیل بشود پس عقیده من این است که نمیتوانیم یکی یکی از نقاط را اسم ببریم بجهت این که اگر هم ما بخواهیم انجمن های جزء را در اینجا بنویسیم و رای بدهیم باز نقاط جزئی خواهد بود که اسم آن هارا نمیتوانیم اینجا بنویسیم و در واقع آن هارا محروم کرده ایم .

دکتر حاجی رضاخان - بله باید دانست که اشخاصیکه هوا خواه انتخاب عمومی هستند فقط

نه این است که مدعی شرطند زیاد شود زیر اوقتی که وسیله عملیات زیاد شد آن وقت فلسفه انتخابات عمومی از بین میرود ما میدانیم وقتیکه فرضاً از تهران بورامین اعلان انتخاب داده شود و گفتیم که بیایند در تهران معنی این است که ما محروم کرده ایم تمام ورامین و ساوجبلاغ و غیره را و آن هارا لایق ندانسته ایم از برای انتخابات و حقیقه منافات دارد که ما شرط طول و مالیات بده بودارد میکنیم و آن وقت میبایم شرط میکنیم که اگر حاکم یا انجمن مرکزی میلس باشد قبول کند که انجمن نظارت جزء تشکیل شود و بگوئیم انجمن نظارت بهتر از اطلاع دارد و تمیز میدهد این تخصیص برای انجمن نظارت نخواهد آورد و آن هابک فضیلتی نخواهد داشت و متخصص نخواهد بود که نظریات آن ها امروز از نظریات مجلس بهتر و بالاتر باشد اینست که محروم کردن این اشخاص با انتخاب عمومی مناسب نخواهد شد و سابق هم که من در کمیسیون بودم عرض کردم که هیچ ردم را نمیتوانیم مجبور بکنیم ولی لااقل برای هر حوزه دو جا سه جا اختیار باید داده شود که اگر آن دو جا کفایت نکرد بتصویب حکومت تعیین یک محل دیگری بشود نه این است که تصویب یک حوزه بکنیم و آن وقت او مجاز باشد در تشکیل و تشکیل ندهد در آن صورت هیچوقت هم اول فرقه و بلوکت رای نخواهد داد .

رئیس - گویا مذاکرات در اینباب کافی باشد **ذکاء الملک** - چون بلفظ ممکن است مخالفت ورزند بنده یک اصلاحی نوشته ام بخوانند اگر اصلاح دیدند رای بدهند (بند منضمون قرائت شد) از تقاطی که اهالی آنها نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند انجمن نظارت مرکزی بتصویب حکومت انجمنهای جزء تشکیل خواهد داد که متصدی انتخابات آن نقاط بشوند

رئیس - آقای زنجانی پیشنهاد خودتان را مسترد میکنید .

زنجانی - خیر یک مقدر اصلاح دیگر لازم دارد .

رئیس - پس باشد آقای محمد هاشم میرزا شما اصلاح خودتان را مسترد میکنید با این اصلاحی که از طرف کمیسیون شد .

محمد هاشم میرزا - بله مسترد میکنم **حاجی سید ابراهیم** - من هم مسترد میکنم اصلاح آقای شیخ ابراهیم زنجانی بمضمیل ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم که ذیل ماده هفتم چنین نوشته شود (در نقاط لازمه یک حوزه انتخابیه انجمن های نظارت جزء بتصویب حکومت و انجمن نظارت مرکزی در تحت نظر نماینده از جانب حکومت تشکیل میشود که نظر در صحت انتخابات آنی داشته باشد .

زنجانی - یکی اینکه قید (ممکن است) از بین رفته یکی اینکه بتصویب انجمن و حکومت و انجمن مرکزی هر دو باید باشد یکی اینکه در تحت نظر نماینده حکومت هم باشند این قید در اینجا لازم است .

ذکاء الملک - گمان میکنم این لازم نباشد و مقصود آن هم حاصل است بجهت اینکه بند نوشته ام

بصویب حکومت و کلیه انجمن نظارت در تحت نظر حکومت است و تصور میکنم این پیشنهاد بنده بهتر است .

زنجانی - انجمن جزء در تحت نظر نماینده حکومت باشد در اصلاح بنده است و خیلی لازم است **رئیس** - میخواهید آقای زنجانی اصلاح شما را رای بگیریم .

ذکاء الملک - بنده آن قسمتش را قبول میکنم که انجمن جزء در تحت نظر نماینده حکومت باشد **رئیس** - قبول میکنید .

ذکاء الملک - دو مرتبه بخوانند مجدداً اصلاح آقای زنجانی خوانده شد ذکاء الملک آن عبارت خود بنده را هم بخوانند (خوانده شد) **ذکاء الملک** - بنویسند که بانظارت نماینده حکومت متصدی انتخابات آن نقاط شوند .

رئیس - تمام ماده خوانده میشود با این اصلاح ماده هفتم با اصلاح اولی و ثانوی آقای ذکاء الملک بترتیب ذیل قرائت شد .

ماده ۷ - در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضم باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد که متصدی و مسئول صحت انتخابات باشد و در نقاطیکه اهالی آنها نتوانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند انجمن نظارت مرکزی با تصویب حکومت انجمن های جزء تشکیل خواهند داد که در تحت نظر نماینده حکومت متصدی انتخابات آن نقاط شوند .

رئیس - رای میکنیم به ماده هفتم با این ترتیبی که اصلاح و قرائت شد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد ماده ۸ ماده هشتم بعبارت ذیل قرائت شد

ماده (۸) در محل هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً برقرار است انجمن نظارت مرکزی خواهد بود از سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی بان انتخاب خود انجمن و چهار نفر از مردمان معروف با امانت و باسواد از طبقات اربعه تجار و اصناف و علماء و اعیان و ملاکین بتعین حاکم انجمن نظارت انتخابات در هر محلی در تحت نظارت حاکم محل خواهد بود .

افتخار الواعظین - در اینکه چهار نفر از طبقات اربعه که موکول بتعین حاکم کرده است اگر موکول بنظر خود انجمن ایالتی یا ولایتی باشد بهتر است

ذکاء الملک - انجمن ایالتی که نماینده دارد در انجمن نظارت سه نفر از انجمن ایالتی معین می کند چهار نفر را هم حکومت .

حاجی وکیل الرعایا - عرض بنده فقط اینست که اسم علماء را جلواسم تجار بیندازند چون آنها اسم تجار جلوا افتاده قدری از نزاکت خارج است اند هر دو یکی است بنده عقیده ام اینست که اصناف را دونفر تجار یک نفر و علمای اعلام را هم یک نفر و ملاک را هم یک نفر کفایت میکند و همینطور هم پیشنهاد میکنم

رئیس - ماده نهم قرائت میشود تا در ضمن آقای ادیب التجار پیشنهاد خودشان را بنویسند

ماده (۹) در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظارت انتخابات مرکب خواهد بود از ۳ نفر ممتدین اهل محل بملاوه ۴ نفر از طبقات اربعه مذکور در ماده (۸)

رئیس - این ماده مربوط است بماده هشتم ماد، دهم خوانده میشود ماده دهم بعبارت ذیل خوانده شد .

ماده (۱۰) انجمن نظارت از میان اعضای خود یک نفر رئیس و یک یا دو نفر منشی انتخاب می نماید .

رئیس - در ماده دهم مخالفی نیست (مخالفی نداشت) آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس - تصویب شد ماده (۱۱) ماده یازدهم بعبارت ذیل خوانده شد

ماده ۱۱ - انجمن نظارت دو هفته بعد از انجام انتخابات حوزه انتخابات حوزه استخایه مفرق می شوند .

رئیس - مخالفی نیست در این ماده کسی اظهاری نکرد .

رئیس - آقایانیکه ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم بعبارت ذیل خوانده شد

(فصل پنجم طریق انتخابات)

ماده ۱۲ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران بطور یک درجه مستقیم است .

رئیس - این ماده را رای دادیم دیگر محتاج برای نیست (ماده ۱۳)

ماده ۱۳ - در محل هائیکه موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یک نفر نماینده دارند انتخاب فردی عمل میشود و در محل هائیکه بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند انتخاب جمعی خواهد بود توضیح مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در دوره برای بعهده مجموع انتخاب شوند گان آن محل اسامی اشخاص را میفرستد و مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در دوره رای اسم یک شخص را بنویسند

رئیس - در ماده ۱۳ مخالفی است (گفتند خیر)

رئیس - آقایانیکه ماده ۱۳ را تصویب می نمایند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

ماده ۱۴ - انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن باید نك رای دهندگان لا اقل در باره یک نفر رای بدهند تا نمایندگی معین شود هر گاه در نوبت اول عده آراه لازمه برای کسی حاصل نشد تجدید انتخاب میشود در نوبت ثانی اکثریت نسبی مطلقاً برای متخب شدن بنمایندگی کافی است .

حاج سید ابراهیم - بنده یک چیز خیلی تازه در اینجا می بینم که مقید کرده است که نك رای دهندگان در باره یک نفر رای بدهند با اینکه غالباً در کمیسیونها که انتخاب میکنیم با یک ترتیب مرتب و منظمی که داریم یک اکثریت نسبی ناچار میشود اکتفا کنیم که مقید بنصف و نك خواهد بود آنوقت در مملکتی که یک ترتیب مرتبی ندارد که در حقیقت

نمیدانند چه کسی رایباید انتخاب نمایند ان در دست مردم نیست غالباً میشود که در یک جا انتخاب میکنند و اسامی مختلفه بقدری بیرون میآید که معلوم نیست یک نفر پیدا شود که نكث رای دهندگان درباره اورای داده باشند اگر هم مجبور شویم که بگوئیم مجدداً انتخابات کنند امر انتخاب هم در مملکت ماتریت سهل و آسانی ندارد که بگوئیم فوراً انتخاب شود اگر باز نشد در نوبت سیم و چهارم و پنجم باز تجدید کنند بنا بر این عقیده بنده این است که اکثریت نسبی کافی است و هر چه ما بتوانیم امر انتخاب را سهل تر بکنیم بهتر است از اینکه این شرایط را زیاد بکنیم چه فایده دارد بملایم چه دلیل دارد که حتماً نكث رای دهندگان رای بدهند بنده میگویم ربع یا خمس رای بدهند همان اکثریت که بنای حکومت ملی است کافی است چون اکثریت را نمیتوانیم مقید کنیم که اکثریت تام باشد از اینجهت عرض میکنم اکثریت فقط بنویسیم بهتر است .

ذکاء الملک - این اکثریت نسبی که اینجا نوشته شده است برای این است که اکثریت تام نخواسته اند باشد و حال آنکه حق این بود که انتخابات نمایندگان با اکثریت تام بشود و اکثریت تام چون خیلی مشکل بود با اکثریت نسبی قرار دادیم و از آن طرف هم اگر بخواهیم بطور کلی اکثریت نسبی باشد گاهی اتفاق میافتد که یک نماینده یک عده آراء خیلی قلیلی انتخاب شود این بود که بن این دو تارا گرفتیم یعنی نكث اکثریت تام را گرفتیم که خیلی مشکل است و نه بکلی اکثریت نسبی باشد با اینجهت این ترتیب داده شد چون در حوزه بندیها يك ترتیبی قرار شد و گما میروند که عده رای دهندگان بیشتر باشد گمان میکنم که تمایل کمیسیون باین باشد که قید نكث را کم بکنند اگر حالا نظرشان این است که قید نكث زیاد و اسباب اشکال است بنده هم میتوانم تایك اندازه همراهی کنم .

حاج شیخ اسدالله - انتخاب معلوم است اگر بشود با اکثریت تام خیلی بهتر است از اکثریت نسبی اینرا نمیتوان منکر شد اما بعد از آنی که خوب نظر میکنیم و تجربیات سابق را در نظر بگیریم و اگر نگاه بکنند در این انتخابی که در دوره سابق شد از آن آراء خوب میفهمند که نكث از تمام رای دهندگان در هیچ يك از نقاط ایران در حق یک نفر واقع نشده است و اگر بنا باشد که ما مقید بکنیم باین که نكث تمام رای دهندگان در حق یک نفر رای بدهند تا اینکه بسمت نمایندگی معین بشود آنوقت عقیده من این است که الان که مشغول انتخاب شوند در هر نقطه لافلا بکمال مسئله انتخابات طول خواهد کشید که نصف منتخبین معین و بطهران حاضر شوند و اگر مفیدتیب بکنیم در دفعه اول اقلاً سه ماه طول میکشد اگر در آن دفعه معین نشوند و محتاج بانخابات جدید بشویم که انتخابات جدید را لازم بدانیم ششماه یقیناً طول خواهد کشید بعقیده من همان اکثریت نسبی را خوب است ما کافی بدانیم و بهمان اکثریت همان صورت نمایندگی معین میشود و بمجلس شورای ملی خواهد آمد .

ذکاء الملک -- اگر پیشنهادی در این خصوص هست خوب است این ماده را رای بگیرند .

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است **حاجی آقا** بنده در وقتی که ترتیب انتخابات اینجا مذاکره میشد میدیدم آقایان بایک احساسات خیلی حرارت آمیزی انتخاب مستقیم را تصویب میکنند و در ضمن فرمایشاتشان فلسفه و برهانی که برای آن ذکر میکنند امروز بکلی فراموش شده است و تمام آن عللی که امروز میگویند برای انتخاب غیر مستقیم است امروز قید میشد که باید ملت از حقوق خودش استفاده بکند و و کیلی که با شش رای و هفت رای انتخاب بشود و کیل ملت نیست بنده هم اعتقاد همین است که و کیلی که به دوازده رای انتخاب شود نباید بفلسفه نمایندگی باو نگاه کرد حالا هم عرض میکنم که باید نماینده که وارد این مجلس میشود نماینده ملت باشد البته باید سعی کنند همان طور که سابقاً آقای لسان الحکماء پیشنهاد کردند که يك جمعی در مجلس بیایند که يك مقدار کافی از رای دهندگان در حق او رای داده باشند و يك مقدار رای کافی در باره کسیکه میخواهند او را انتخاب کنند و به مجلس بفرستند داده باشند والا همان ایرادی که در انتخاب غیر مستقیم با کمال حرارت میکردیم با همان ایراد وارد است پس بنده تصدیق میکنم که در دفعه اول يك نكث از رای دهندگان در حق اورای بدهند والا عقیده بنده این بود که اکثریت تام باشد ولی اشکال دارد حالا در دفعه اول همان يك نكث ملحوظ بشود و اگر نشد دفعه دوم نظر بانصالحی که میفرمایند با اکثریت نسبی باشد ضرر ندارد اگر چه بنده قطع دارم تجدید انتخاب بمدت آنی که داده شدند در ترتیب انتخابات هیچ اهمیت ندارد منتهی یا زنده روز جلو یا عقب تر خواهد شد .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده قرائت میشود .

(۱) از طرف آقای معزز الملک بطور قبل خوانده شد .

(در ماده ۱۴ عوض يك نكث يك ربع نوشته شود) از طرف آقای زنجانی بدین مضمون قرائت گردید بنده پیشنهاد میکنم ماده چهاردهم چنین نوشته شود .

انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن باید در دفعه اول لا اقل خمس تمام رای دهندگان در باره يك نفر رای داده باشند تا بنمایندگی معین شود و هر گاه در دفعه اول عده آراء در باره کسی بخمس نرسد فوراً با همان تعرفه های اول تجدید انتخاب میشود و در این دفعه اکثریت نسبی مطلقاً برای تعیین نمایندگی کافی است .

(۲) از طرف آقای حاجی عز الملک بعبارت ذیل خوانده شد)

انتخاب نمایندگان مجلس با اکثریت نسبی است (۴) از طرف آقای حاجی شیخ اسدالله بدین مضمون قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۴) این نوع نوشته شود انتخاب نمایندگان در تمام مکت ایران با اکثریت نسبی خواهد بود .

رئیس - راجع باین دو پیشنهاد آخر چه میگوئید .

ذکاء الملک - بنده از طرف کمیسیون نمی توانم قبول کنم .

حاجی عز الملک - بنده یکی از اشخاصی بودم که در شور اول مخالف بودم که انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی باشد ولی در این موقع همانطور که آقای مخبر فرمودند اگر حوزه بندیها بر تریبی بود که هر يك صد هزار نفر يك نفر خیلی خوب بود که سعی میکردیم که انتخابات با اکثریت تام میشد لکن با این نظریه که حالیه برای کمیسیون پیدا شده چه همانطور حوزه های انتخابیه انتخاب بطور جمعی خواهد بود نمیشود که اکثریت نسبی نباشد با نكث یا خمس آراء رای دهندگان باید در باره کسی باشد که منتخب میشود این ترتیب جز اینکه اسباب تعویق در انتخاب و افتتاح مجلس خواهد بود نتیجه دیگری ندارد چه طور میشود که در چند نقطه که رای میدهند ما بگوئیم خمس یا نكث نسبت يك نفر رای بدهند این يك چیزی است که خیال میکنم و نتیجه اش این خواهد بود که تاخیر در امر انتخاب خواهد افتاد و در دفعه دوم اینست که عرض میکنم که خوب است برای تسریع در امر انتخابات و انعقاد مجلس شورای ملی اکثریت نسبی را کافی بدانیم و رای بدهیم .

رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله توضیح دازید **حاج شیخ اسدالله** - توضیح داده شد

بهجت - اکثریت نسبی مطلقاً اینجا خیلی مشکل است بجهت اینکه ما قید نکرده ایم که در حوزه انتخابیه چقدر بیایند تعرفه بگیرند چون قید نکرده ایم تصور میکنم مطلق اکثریت نسبی را مانع اعتبار قرار دادن بقتدری اسباب اشکال فراهم بیاورد اگر قید میکردیم که اقلاً صد يك آنها بیایند بگیرند ممکن بود با اکثریت نسبی بدو قید اکتفا نمانیم اما بعد از آنکه اینقید را نکرديم و گفتیم هر قدر اشخاص آمدند تعرفه گرفتند کافی است آنوقت فرض کنید صد نفر حاضر شدند برای اینکه تعرفه بگیرند هشتاد رای مختلف داده شد در اینصورت آیا ممکن است يك کسی بدو رای و سه رای بنمایندگی بشناسیم بدیهی است که ممکن نیست و در چنین صورتی باید تجدید انتخاب شود پس باید يك حدی برای اکثریت نسبی قرار داد والا در انتخابات که درجه در درجه دوم که رای میدهند خودش تنها که رای نمیدهد سایرین هم درباره او رای میدهند و بعبارت اخری مثل انتخاب مجلس شورای ملی سقسطه و مفلطه است یعنی وقتیکه درست تأمل نمایند پنج رای که در حق منتخب داده شده است در واقع تمام رای دهندگان در حق آن رای خود را داده اند پس بنا بر این ما نمیتوانیم اکثریت نسبی را بدون قید بگذاریم که با اکثریت پنج رای یا چهار رای با سه رای نماینده انتخاب شود و باید يك حدی از برای قرار داد و رفع این اشکال شود حدی برای عده رای دهندگان لازم است .

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج حاج شیخ اسدالله و آقای حاجی عز الملک آقایانی که این دو فقره اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند) .

رئیس - قابل توجه نشد - دو فقره اصلاح دیگری هم هست یکی راجع بخمس و دیگری راجع بریع است اول باید بخمس رای بگیریم که بیکسمت از پیشنهاد آقای زنجانی است قسمت اول پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهاردهم چنین نوشته شود انتخابات نمایندگان درباره یک نفر رای داده باشند .

رئیس - توضیحی دارید .

آقا شیخ ابراهیم - نظر باینکه هر گاه اکثریت نسبی را تصویب بکنیم ممکن است با عده خیلی قلیلی انتخاب شود باید يك حدی داشته باشد چون اول نكث معین شده بود ولی بعد که نكث جمعی پیش آمد نكث زیاد است و اسباب اشکال ممکن است بشود و با اینجهت بنده خمس را پیشنهاد کردم و بنظر بنده خمس بهتر آمد بعلاوه بعضی قیوداتیرا هم اضافه کرده ام که اسباب تسهیل کار میشود مثلاً نوشته ام که اگر از انتخاب ولی نتیجه حاصل نشد محتاج به تعرفه جدیدی نباشد و فوری تجدید انتخاب شود که تاخیر پیدا نکند اگر چه غالباً محتاج به تعرفه جدید و انتخاب جدید خواهد شد ولیکن بنظر بنده اینطور بهتر میآید .

معزز الملک - بله چنانکه مجلس شورای ملی تصویب نکرد که انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی باشد برای این بود که نماینده که میآید باید او طرف اعتماد موکلین خودش باشد و آن که او طرف اعتماد هست یا نیست از کجا معلوم میشود از اینجا معلوم میشود که طرف توجه افکار عامه بوده است که آرائیکه در باره او داده شده است و الا يك کسی با ۲۵ رای نماینده ملت نیست و از این جهت است اگر بعضی اشکالات در بین نبود انتخاب نمایندگان را آن ها و معتقد بيك درجه نمی بودند بایستی قطعاً با اکثریت تمام قرار بدهند ولی از طرف دیگر وقتی هم که میگویند بواسطه اشکالات ممکن نیست با اکثریت تمامه باشد نباید وقتیکه میخواهید يك حدی از برای اکثریت نسبی قرار بدهیم آنقدر کم قرار بدهیم که مقصود ما را بکلی از بین ببرد باید يك حدی را قرارداد که طرف اعتبار نباشد و خمس بعقیده بنده کم است اقلاً باید ربع قرار بدهیم خمس خیلی کم است .

رئیس - کمیسیون قبول دارد **ذکاء الملک** - رای گرفته شود بهتر است **رئیس** - رای میگیریم در خمس آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم در ربع پیشنهاد آقای معزز الملک **ذکاء الملک** - ربع را بنده قبول میکنم میخواهید هم رای بگیرید .

رئیس - اگر قبول میکنید دیگر لازم نیست رای بگیریم - يك قسمت از اصلاح آقای زنجانی باقی است باید قابل توجه بشود قسمت دوم از پیشنهاد مزبور با تبدیل کلمه خمس بر ربع بعبارت ذیل قرائت شد و هر گاه در دفعه اول عده آراء درباره کسی نرسد فوراً با همان تعرفه های اول تجدید انتخاب میشود در این دفعه اکثریت نسبی مطلقاً برای تعیین نمایندگی کافی است .

ذکاء الملک فوراً بقتدری مهم است اقلاً بنویسند در ظرف یک هفته برای آنکه يك مدتی داشته باشد که اعلان تجدید انتخاب را بنمایند آقا شیخ ابراهیم زنجانی - فوراً هیچ منافات ندارد و مهم نیست فوراً یعنی همینکه معلوم شد که خمس شده است همان فردایش تجدید انتخاب میکنند تعرفه ها هم در دست است اطلاع میدهند و میآیند انتخاب میکنند **ذکاء الملک** - اینکه میفرمائید فوراً یعنی فردا این ممکن نیست برای اینکه باید اطلاع بدهند که مردم بیایند و این يك مدتی لازم دارد از برای اینکه همه انتخاب کنندگان مطلع شوند والا اگر بنویسند فوراً اگر سه روز بدهندش میتواند ایراد کنند که چرا فوراً نکردند ولی اگر معین کردند مثلاً در ظرف يك هفته آنوقت هم مردم وقت دارند و هم نمیتوانند مسامحه بکنند و هم محل ایراد نخواهد شد **معزز الملک** - بنده تصور میکنم که آقای زنجانی درست دقت فرمودند والا پیشنهاد خودشان را هم پیشنهاد نمی کردند بجهت اینکه تعرفه که میدهند برای چیست برای اینست و يك سندی است درست آنهایی که دارای شرایط انتخابات هستند وقتی که يك مرتبه تعرفه گرفتند و انتخاب بعمل آمد ممکن است من تعرفه ام را بدهم بدست يك کسیکه دارای آن شرایط انتخابات نباشد و با همان تعرفه من بیاید در امر انتخابات شرکت میکند انجمن نظارت آنکس را قابل انتخاب میدانند که باو تعرفه داده است پس وقتی که آن انتخاب از بین برود باید دوباره تعرفه بدهند .

آقا شیخ ابراهیم - بنده توضیح میدهم اشتباه شده است اگر اشکال این است این اشکالی که میفرمائید در مرتبه اول هم همان اشکال است **رئیس** - رای میگیریم در اصلاح آقای زنجانی در قسمت دوم با حذف لفظ خمس دوباره خوانده میشود مجدداً اصلاح زنجانی با حذف لفظ خمس خوانده شد **ذکاء الملک** - آقای آقا شیخ ابراهیم متقاعد شدند در ظرف يك هفته را اگر يك هفته نوشته شود بنده قبول میکنم اصلاح آقای زنجانی را در ماده چهاردهم .

رئیس - ماده (۱۴) را بخوانید با اصلاحاتی که شده است - مجدداً ماده (۱۴) با اصلاحات بمضمون ذیل قرائت شد .

ماده ۱۴ - انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن - باید ربع رای دهندگان لا اقل در باره یک نفر رای بدهند تا بنمایندگی معین شود هر گاه در نوبت اول عده آراء لازم برای کسی حاصل نشد مجدداً در ظرف يك هفته با همین تعرفه های اول تجدید انتخاب میشود و در نوبت ثانی اکثریت نسبی مطلق برای تعیین نمایندگی کافی است

رئیس - این را بهمین ترتیب کمیسیون قبول دارد .

ذکاء الملک - بله .

رئیس - رای میگیریم بماده (۱۴) با این اصلاح آقای زنجانی آقایانی که این ماده را بهمین ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند عده قیام نمودند .

رئیس - تصویب نشد .

ذکاء الملک - تقاضا میکنم که رجوع بفرمائید بکمیسیون .

رئیس - ماده هشتم و نهم مانده است ولی پیشنهادی آقای ادیب التجار کرده اند در قابل توجه بودن آن رای میگیریم بعد بخود ماده رای خواهیم گرفت پیشنهاد ادیب التجار بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم در ماده هشتم جمله از طبقات اربعه اینطور نوشته شود .

علماء یک نفر اصحاب ملاک یک نفر تجار یک نفر اصناف دو نفر بتعین حاکم الی آخر

مخبر - در اینجا که از این طبقات نماینده میفرستند نظر بعده نیست عرض این است که چند نفری از طبقات مختلفه باشند که دورقه را بشناسند والا نظر بعده نیست که اصناف چون زیاد تر نیستند و دورقه بفرستند .

رئیس - آقای ادیب التجار توضیحی دارید **ادیب التجار** - توضیحی خیلی مختصر عرض میکنم جمعیت اصناف چون نسبت با اصحاب و ملاک محققاً بالمضاعف بیشتر است لهذا اصناف را دو نفر بنده پیشنهاد کرده ام باقی رایکنفر

رئیس - پس کمیسیون قبول ندارد رای میگیریم در پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند عده قلیلی قیام نمودند **رئیس** - رددش ماده هشتم خوانده میشود مجدداً ماده هشتم قرائت شد .

رئیس - رای میگیریم بماده (۸) بهمین ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد .

(ماده (۹) بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظارت انتخابات مرکب خواهد بود از سه نفر از معتمدین اهل محل بعلاوه چهار نفر از طبقات اربعه مذکور در ماده (۸)

رئیس - آقای ادیب التجار چون اصلاح سر کار در ماده ۸ قابل توجه نشد دیگر در ماده (۶) خوانده نمیشود - مخالفی هست .

دکتر سعید الاطباء - در ماده (۸) جاهائی که انجمن ایالتی و ولایتی هست تکلیفش معلومست اما اینجا نوشته است انجمن ایالتی و ولایتی از سه نفر معتمدین اهل محل و من نمایانم آنها را کی باید معین نماید باید بگوئیم قدری اضافه شود مأموریکه میروند در تحت نظر مأمور دولتی باشد و الا معلوم نیست که آن سه نفر را معین خواهند نمود .

ذکاء الملک - بله کمیسیون هم همین مطلب را دیده و بدقت ملاحظه شده است جاهائیکه انجمن هست انجمن تشکیل میکنند و جاهائیکه انجمن هست البته حاکم معین میکنند حالا اگر لازم بتصریح هم باشد تصریح میکنم در آخر همین ماده نوشته شود بتعین حاکم

لواء الدوله - ممکنست که بانتهای اهل آن محل باشد .

مخبر - نمیشود اینطور قرارداد چون دور

تسلسل لازم میآید کی انتخاب خواهند کرد لابد در دفعه اول انتخاب این اشخاص را حاکم باید بکند و باید از اشخاص معتمد اهل محل باشد مجدداً ماده (۹) با اضافه جمله بتعین حکومت در آخر ماده قرائت شد.

رئیس - ماده (۹) بهمین طریق که خوانده شد و اصلاح شد رأی گرفته میشود آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند - اغلب قیام نمودند
رئیس - با کثرت تصویب شد - بقیه اینقانون میماند برای جلسه دیگر راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق یحیی خان سرتیب بعبارت ذیل قرائت شد :

لایحه وزارت مالیه راجع بحقوق مرحوم یحیی خان سرتیب که از قزاقخانه استعفا داده بود قرائت گردید حقوق مرحوم یحیی خان مبلغ نودوشش تومان شخصی و مبلغ ششصد و شصت تومان حقوق اداری بود و به تصویب مجلس شورای ملی جدیداً در حق آن مرحوم برقرار شده بود کلیه این حقوق هفتصد و پنجاه و شش تومان است و نظر بخدمتیکه مرحوم یحیی خان به مملکت نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند تمام این حقوق بدون کسر بطور استثناء در باره وراث آن مرحوم برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون مطابق ذیل تصویب نموده پیشنهاد مجلس می نماید ماده مبلغ پانصد تومان از حقوق مرحوم یحیی خان در باره وراث آن مرحوم بترتیب ذیل برقرار شود خان بابا خان پسر مرحوم یحیی خان دوست تومان - عیال و سه نفر صبیبه آن مرحوم از قرار نفری ۷۵ تومان سبصد تومان .

رئیس - این پیشنهاد یک مرتبه بمجلس آمده است و تکلیفش معین نشده مقصود اینستکه تکلیف معلوم شود که جواب وزارتخانه داده شود مخالفی هست
حاجی شیخ اسدالله - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید .

حاجی شیخ اسدالله - این حقوق که مرحوم یحیی خان داشته است از قرار معلوم حقوق اداری بوده است و ربطی بحقوق شخصی ندارد اگر بنا باشد ما این فتح باب را بکنیم که حقوق اداری را بیاورند ما تصویب بکنیم این یک دایره وسیعی پیدا خواهد کرد و همه روزه این قبیل تقاضاها بمجلس خواهد آمد بنده عقیده ام اینست که حقوق اداری را نباید مجلس شورای ملی مثل حقوق شخصی درباره وراث یا غیره تمام یا نصفه اش را تصویب کند بجهت اینستکه مادامیکه مشغول خدمت است در آن اداره حقوق اداری باید باشد و قتیکه مستعفی شد یا مرحوم شد دیگر حق نخواهد داشت اگر میخواهید که چیزی در حق کسی برقرار کنید آن مسئله دیگری است پس خوب است حقوق یحیی خان را بزنند و شخصاً وزیر مالیه پیشنهاد بکند یک چیزی مستقیماً و مستقلاً بورات او داده شود بنده بکلی رأی ندارم که مجلس رأی بدهد این مسئله را بجهت اینکه این خودش خلاف قانون وظایف است .

حاج عز الممالک مخبر - بنده محض توضیح عرض میکنم که حقوق اداری نیست و حقوق مرحوم یحیی خان قزاق شخصی است مثل حقوق سایر صاحب منصبان قزاقخانه است که مجلس تصویب کرد .

لواءالدوله - میخواستم يك توضیحی درباره مرحوم یحیی خان بدهم که نمایندگان محترم باطمینان رأی بدهند .

رئیس - شما که موافقید پس چرا گفتید مخالفم
لواءالدوله - خیر من موافق بودم

رئیس - لازم نیست رأی میگیریم آقایانی که حقوق مرحوم یحیی خان قزاق را تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد والا ورقه کبود (شروع باخذ اوراق شد آقای حاج میرزا رضا خان عده اوراق شماره ۵۱ احصاء نمودند) .

رئیس - با کثرت (۵۱) رأی از ۷۲ نفر نمایندگان تصویب شد .

رئیس - تقاضائی آقای ادیب التجار کرده اند و ۴۲ نفر از آقایان هم امضاء کرده اند قرائت می شود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی چون اصلاحات مملکت و مخصوصاً پیشآمدهای جدید که متضمن این همه خون ریزیها و غارت دارائی اهالی و هتک اعراض شده موجب کمال تأثر قلوب نمایندگان محترم است و اوقاتشان مصروف است باینکه معلوم کنند کسانی را که مصدر این وقوعات ناگوار بوده اند و اشخاصی را که شرکت در این امور نامشروع کرده اند بشناسند و از قرار معلوم اوراق و اسناد زیادی در ضبط هیئت اجرائیه دولت است که کاشف این اسرار است لهذا این بنده پیشنهاد میکنم که از جانب مجلس شورای ملی به هیئت وزرای اعظام مرقوم شود که تمام اسناد و اوراق ازین قبیل را بمجلس بفرستند که نمایندگان ملت صاحب اوراق مضره را شناخته و در صورت صلاح صورت آنرا بعرض ملت برسانند ادیب التجار با امضای ۴۲ نفر دیگر از نمایندگان
رئیس - ۴۲ نفر امضا کرده اند مخالفی نیست (اظهاری نشد) - آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بغروب مانده بقیه شور دویم قانون انتخابات راپورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاصی که از بودجه درباری خارج شده است راپورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید .

افتخار الواعظین - بله .
رئیس - بفرمائید .

افتخار الواعظین - يك راپورتی از کمیسیون فوائد عامه مدتی است داده شده است از برای آوردن ماشین چرم سازی و بنده مطلعم که ماشین را هم آورده اند و صاحبش منتظر اجازه مجلس شورای ملی است اگر اجازه داده شود وارد شود و تکلیف او معلوم شود بنده تقاضا میکنم که جزء دستور شنبه گذارده شود .

رئیس - آنرا ممکن است جزء دستور روز یکشنبه بگذاریم بجهت اینکه قانون انتخابات خیلی مهم است و مسئله صد و پنجاه و دو هزار تومان هم همینطور .

آقا میرزا احمد - دوره مجلس حالیه قریب با ختم است و هنوز بودجه مملکتی بمجلس

نیامده تقاضا میکنم که اگر حاضر است در کمیسیون زودتر بمجلس بفرستند در صورتیکه خیلی از آقایان نمایندگان اصرار داشتند که این مسئله بگذرد و اگر بکمیسیون نیامده خواهش میکنم تأییدی به هیئت وزراء بشود زودتر بیاورند و از مجلس بگذرد
رئیس - خیلی خوب همین کار را میکنیم . (مجلس سه ربع ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۰۴

صورت مشروح روز شنبه ۱۳ شهر شوال المکرم ۱۳۲۶

رئیس - آقای مؤتمن الملك ۴ ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بجای خود جلوس فرمودند و پس از نیم ساعت مجلس افتتاح شد .

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل غائب بدون اجازه - آقا سید محمد باقر ادیب غائبین با اجازه .

آقای حاج سید نصرالله - آقا میرزا علی اکبر خان - معتمد التجار - شریف العلماء - معزز الملك - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقای

دکتر اسمعیل خان دو ساعت و نیم - آقای حاج آقا - آقا شیخ رضا یک ساعت ناصر الاسلام ۵۵ دقیقه

حاج امام جمعه ۵۰ دقیقه آقا میرزا رضای مستوفی ۶۰ دقیقه حاج وکیل الرعایا - آقا میرزا علی اصفهانی

۳۵ دقیقه افتخار الواعظین - ابوالقاسم میرزا - حاج عز الممالک - آقا میرزا ابراهیم قمی حاج مصدق - الممالک نیم ساعت .

رئیس - دو فقره اشتباه شده است یکی راجع بماده ۱۴ است که ارجاع شد بکمیسیون یکی هم مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ بود که تصویب شد فراموش شده است که نوشته شود .

حاج آقا - بنده با ماده ۱۴ موافق بودم و دفاع کردم بهان برهانیکه سابق عرض کرده بودم و عقیده ام هم این بود که نك رأی دهندگان باید در حق نماینده رأی بدهند تا منتخب شناخته شود و اینجا بنده را مخالف نوشته اند اشتباه شده است
رئیس - همینطور که اظهار شد اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست (کسی اظهاری نکرد)

رئیس صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات از ماده ۱۵

ماده ۱۵ بطور ذیل خوانده شد .

ماده - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عده که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین می شود .

رئیس - در ماده ۱۵ مخالفی هست .

لسان الحکماء - اول اینکه در صورت تساوی آراء دو یا چند نفر لازم نیست همینقدر که در صورت

تساوی آراء نوشته شد دیگر بین دو یا چند نفر لازم نیست دیگر اینکه در جمله آخر هر عده که

محل حاجت باشد لازم نیست و باید اینطور نوشت در صورت تساوی آراء عده مقرر قانونی بحکم

قرعه معین خواهد شد .

ذکاء الممالک مخبر - گمان میکنم که این دو جمله لازم باشد بجهت معنی اینکه معنی این میشود هر گاه فرض کنیم حوزه انتخابیه ای است که باید